

# الگو پذیری و نقش آن در اجتماعی شدن فرزندان

مقدمه

بخش مهمی از آنچه هر فرد یاد می‌گیرد، از طریق الگوگیری است. مدل‌سازی یا الگو پذیری راهی جدید برای شکل‌دهی رفتار و تفکر تعریف شده است. در یادگیری از طریق مشاهده الگو، فرد از طریق استنباط شخصی به تجزیه و تحلیل گفته‌ها و اعمال الگوی خود می‌پردازد و نگرش‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار خود را تغییر داده، خود را هر چه بیشتر به الگوی مورد نظر شبیه و همانند می‌سازد. از آن‌جا که کودکان و نوجوانان در هر لحظه شاهد رفتارها و اعمال الگوهای مختلف، مانند: پدر و مادر، معلمان، هم‌کلاسی‌ها و قهرمانان کتاب‌ها و فیلم‌ها در محیط پیرامون خودند و این الگوها نقش بسزایی در اجتماعی شدن و جهت‌دهی به مسیر تربیت و رشد و بالندگی آن‌ها دارند، لذا در این نوشتار سعی شده است ضمن بیان مفهوم الگو، جریان الگوپذیری و مراحل آن، به نقش مؤثر الگوها در جریان اجتماعی شدن فرزندان و تربیت انسان‌های شایسته پرداخته شود.

سیده فریبا اطمینانی  
کارشناس پژوهشگری  
علوم اجتماعی - شاهین شهر



**الگو چیست و چه کسانی الگو قرار می‌گیرند؟**

هر فرد، متناسب با رشد و توانایی‌های خود در تعامل با دیگران قرار می‌گیرد و از میان آن‌ها کسانی که بیشتر او را تحت تأثیر قرار می‌دهند، برایش «مهم» می‌شوند و سعی می‌کند خود را «شبیه» و «همانند» آن‌ها سازد و تغییر نماید. به این افراد «الگو» می‌گوییم.

**الگوپذیری چگونه آموخته می‌شود؟**

الگوپذیری، فرایندی است که از طریق مشاهده صورت می‌گیرد و در آن رفتار یک شخص یا گروه به عنوان محرکی بر روی افکار، نگرش‌ها یا رفتار فرد دیگری که شاهد انجام عمل الگوست، اثر می‌گذارد (مارلت، ۱۳۸۱).

**مراحل الگوپذیری کدامند؟**

فرایند الگوپذیری در طی دو مرحله صورت می‌گیرد. در اولین مرحله، رفتار الگو مورد مشاهده قرار می‌گیرد و فرد اعمال الگو را کسب می‌کند. در این مرحله فرد تصورات و معرفت‌های کلامی کسب شده از رفتار الگو را در حافظه خود ذخیره می‌کند. دومین مرحله مربوط به اجرای رفتار الگو به وسیله مشاهده‌گر است. گفتنی است که امکان دارد آنچه فرد در مرحله اول مشاهده کرده است، هرگز به مرحله عمل در نیاید و در حد یادگیری باقی بماند. در واقع در اجرای عمل از طرف مشاهده‌گر، نقش تشویق یا تنبیه الگوی پذیرفته شده مهم است. با توجه به مراحل فوق می‌توان گفت الگوپذیری یک روش بسیار مناسب برای آموزش مهارت‌ها، رفتارها و ارزش‌ها، به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی است، زیرا پایین بودن سن، سطح تجربیات و توانایی‌های فکری و کم‌رنگ بودن عقل و تفکر می‌تواند موجب تأثیرگذاری بیشتر روش الگویی شود (برومند، ۱۳۸۰).



شماره: ۲۸



نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی

## چگونه می توان الگو انتخاب کرد؟

برای انتخاب الگو دو روش وجود دارد: اولین نوع آن استفاده از الگوی واقعی و زنده است که به طور واقعی و در حضور مشاهده کننده رفتارهای مورد نظر را اجرا می کند، مانند والدین که در دوره کودکی و بعد از آن الگوهای زنده خوبی اند که فرزندان دوست دارند مثل آنها باشند تا احساس ایمنی کنند و مورد حمایت قرار گیرند (سیفلد و باربور، ۲۰۰۲). با بالا رفتن سن، افراد مهم دیگری مانند همسالان به عنوان الگوی واقعی برای الگوپذیری انتخاب می شوند. هر چه افق های دید افراد وسیع تر می شود، فرصت های زیادتری برای مشاهده و تقلید از رفتارهای افرادی که در این مسیر با آنها روبه رو می شوند، پیدا می کنند.

روش دوم، استفاده از الگوهای نمادین یا سمبولیک است. قهرمانان فیلم های تلویزیونی و سینمایی، قهرمانان ورزشی، موجودات کارتونی تلویزیون و شخصیت های کتاب ها می توانند الگو قرار گیرند و طرز لباس پوشیدن، روابط شخصی، علاقه مندی ها، رغبت ها و بیزاری های آنان به عنوان راهنما و الگو استفاده شود (کریمی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، انسان ها در تمام مراحل زندگی، به خصوص در دوران نوجوانی، الگوهای را انتخاب می کنند که دارای صمیمیت و عاطفه بیشتری اند و تفاوت کمتری با خودشان دارند. در واقع چنانچه الگو رفتاری بسیار برتر از توانایی و ظرفیت فرد پذیرنده الگو داشته باشد، ممکن است احساس کند که اجرای اعمال و کردار الگو از توان او خارج است و به این ترتیب خود را از نفوذ الگو بیرون آورد. به این ترتیب می توان دریافت که بهترین الگو کسی است که فقط دو یا سه گام از خود فرد جلوتر باشد (باندورا، ۲۰۰۵).

## چرا به الگوها نیاز مندیم؟

بر طبق نظریه یادگیری اجتماعی، یادگیری مشاهده ای یکی از سازوکارهای اجتماعی قدرتمند است که طی آن فرد دیگری را مشاهده و سپس از او تقلید می کند و با مدل سازی و الگوگیری به رفتار و تفکر خود شکل می دهد و با فرد محبوب خود همانندسازی می کند. براساس این اصل، انسان ها از اولین تا آخرین لحظه های عمرشان در حال یادگیری اند و در صدر رفتارهای غیر غریزی شان را می توان ناشی از یادگیری دانست. در واقع اساس همه رفتارها، اخلاقیات، اعتقادات، قضاوت ها و ارزش ها آموزشی است و در هر دوره از زندگی، اشخاص یا منابعی در نقش مربی، الگو و راهنما پیوسته مطالبی را به دیگران می آموزند. به این ترتیب یکی از دلایل نیازمندی انسان ها به الگو، آموختن قواعد زندگی از طریق پیروی از رفتار، گفتار و پندار افراد مقبول و محبوب است تا خود را به صورت بازتاب وجودی او در آورند، مطرح شوند و در جامعه جایگاهی بیابند (شرفی، ۱۳۸۰). این واقعه جدی در زندگی، با الگوخواهی و الگوپایی نمود می یابد و از سوی دیگر، خصیصه کمال گرایی انسان سبب

می شود تا خود را به کسانی که مظهر کمالات اخلاقی اند نزدیک کند. صفات آنان را کسب و در شخصیت خویش جذب نمود، آن ها را الگو قرار دهد.

آموزه های آسمانی نیز که بر محور فطرت، خرد و عاطفه و احساس استوارند، نیاز به الگو و الگوپذیری را امری حیاتی می شمردند تا استعدادها و توان های نهفته در نهاد آدمی در مسیری مطلوب جهت یابد (لقمانی، ۱۳۸۵). قرآن کریم تأثیرپذیری از الگوها را با معرفی الگوهای خود و ویژگی های برتر آنان نشان می دهد: اسماعیل، نماد تسلیم در برابر فرمان خدا؛ ابراهیم، فطرت جو و بت شکن؛ ایوب، قهرمان صبر در شداید روزگار و... قرآن در همه این موارد می فرماید: اینان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده است پس به هدایت آنان اقتدا کن.

## الگوهای مؤثر و نقش آنها در تربیت و اجتماعی شدن

اولین و مؤثرترین الگوهای فرد در خانواده مشاهده می شوند. خانواده به عنوان اصلی ترین سازمان اجتماعی، در نهادی کردن رفتارها به فرزند آن کمک می کند تا اولین تجربیات زندگی را کسب نمایند و از رفتار اعضای آن الگو برداری کنند. بی دلیل نیست که فرزندان را آینه رفتار والدین می دانند و در قضاوت ها، رفتار فرزندان را به حساب پدر و مادر آن ها می گذارند. البته تحقیقات نشان داده است که هر قدر رابطه عاطفی بین والدین و فرزندان گرم تر و صمیمی تر باشد، الگوپذیری آن ها از والدین پیش تر خواهد بود. پس از خانواده، مدرسه جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص می دهد. معلم و مربی، الگوهای اندک بیشترین مقبولیت و بالاترین سطح نفوذ را در نزد دانش آموزان دارند و از اهمیت و موقعیت اجتماعی خوبی در بین آنان برخوردارند. بسیاری از دانش آموزان آن چنان از رفتار معلم خود الگو می گیرند که قادر به ایفای نقشی همانند او با دیگران می شوند.

معلمی که با صدای بلند با دانش آموزان صحبت می کند و در صورت بد رفتاری دانش آموزان، شدت عمل به خرج می دهد و خارج کردن آن ها از کلاس را تنها راه حل عملی می داند، طریق حذف مسئله را، به جای حل مسئله در روبه رو شدن با مسائل مختلف زندگی، در ذهن دانش آموزان خود الگو قرار می دهد این جاست که می توان گفت معلم تلویحا و به صورت ضمنی به دانش آموزان آموخته تا چگونه نسبت به مسائل مختلف واکنش نشان دهند و به همین ترتیب دانش آموزان برخورد معلم نسبت به مسائل اخلاقی، سیاسی و ارزش های اجتماعی را سرمشق قرار می دهند. در واقع فراگیر با مشاهده گفته ها و اعمال معلم و تجزیه و تحلیل آنها، از آن الگو می گیرد. خوش رفتاری، مؤدب بودن و راه های واکنش نسبت به دیگران، کمتر از راه آموزش منتقل می شوند، اما از طریق مشاهده الگو



و حتی بدون آگاهی خود الگو (معلم) و الگوگیرنده (دانش آموزان) کسب می‌گردند. گروه دوستان و همسالان، بخصوص در دوران نوجوانی، تأثیر فراوان بر یکدیگر می‌گذارند. نوجوانان بخش قابل توجهی از رفتار و کیفیت معاشرت خود را از دوستان خود می‌آموزند و این الگوپذیری به خاطر آن است که به تناسب سن، جنس، هوش و موقعیت اقتصادی اجتماعی، با دوستان و اندیشه‌های آن‌ها همگام و هماهنگ می‌شوند. نوجوانان در پوشاک، زبان، لهجه و الفاظ هم از دوستان خود الگو می‌گیرند و اصولاً همسالان از راه‌های منحصر به فرد و عمد، در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی و نگرش‌های یکدیگر دخالت دارند.

از الگوهای مؤثر دیگر به چهره‌های ورزشی، هنری می‌توان اشاره کرد. نوجوانان با علاقه‌ای که به هنرپیشه یا بازیکن ورزشی خاصی دارند، به طور مستقیم تحت تأثیر رفتارهای دیگر او واقع می‌شوند و از او الگو می‌پذیرند. جایی تعجب ندارد که اگر بسیاری از نوجوانان زائر خانه و خیابان بینیم که در سخن گفتن، مدل لباس، آرایش مو، نحوه رفتار و... تحت تأثیر این چهره‌ها قرار داشته باشند.

### ویژگی‌های الگوی صالح و کارآمد

یادگیری، اساس رفتار آدمی و یادگیری‌های غیرمستقیم یا مشاهده‌ای، پایدارترین و مؤثرترین یادگیری‌ها محسوب می‌شوند و در این میان مهم‌ترین نقش بر عهده الگوهای رفتاری است (افروز، ۱۳۸۱). بنابراین روشن است که نباید هر منبع و مأخذی را به عنوان الگو پذیرفت کسانیکه به عنوان الگو و مرجع دیگران پذیرفته می‌شوند معمولاً صاحب ویژگی‌هایی‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- داشتن دید وسیع، جهان بینی و دریافت عمیق، از خصوصیات الگوی برجسته و کارآمد است. بزرگترین عامل انحراف جوانان در هر جامعه، پیروی آنان از افراد گروه همگن است که فاقد تجربه و دانش کافی‌اند.

□ الگوهای صلاحیت‌دار، توانایی برقراری ارتباط و بیان بی‌ابهام مطالب را دارند. دانشمندان اگر نتوانند ارتباط لازم را با مخاطب برقرار کنند و دانش خود را به روشنی منتقل نمایند، نمی‌توانند الگو قرار گیرند.

□ قابلیت شناخت توانایی‌ها، نیازها و شرایط مخصوص مخاطب و ویژگی عمده دیگر الگوی صالح است.

□ در دسترس و قابل اعتماد بودن، مهارت مشاهده‌گری، برخورداری از توانایی تجزیه و تحلیل، قابلیت بازخورد به موقع و داشتن روحیه مثبت اندیش، بعضی دیگر از خصوصیات یک الگوی کارآمد است. (دهقان، ۱۳۸۵).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های انسان که از بدو تولد با اوست، اصل الگوپذیری

است که مطابق با آن از همان کودکی و از زمانی که مراحل اولیه فهم و درک را می‌گذرانند و اطراف خود را می‌بیند، به یادگیری می‌پردازد و الگوپرداری می‌کند. الگوپذیری یکی از مهم‌ترین شیوه‌های استقرار نگرش‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و رفتارهاست که در ابتدا از محیط خانواده آغاز می‌شود و پس از آن، معلمان، گروه همسالان، قهرمانان کتاب‌ها و فیلم‌ها این نقش را ایفا می‌کنند. از آن جا که الگوها قدرت زیادی در تغییر نگرش و رفتار افراد، به خصوص در دوره نوجوانی دارند، لذا دقت در انتخاب الگو و توجه به ویژگی‌های آن بسیار حائز اهمیت است. گروه همسالی که وسوسه فرار از خانه را در دختری برمی‌انگیزد، فردی که تخم بدبینی و یأس را در ذهن دیگری می‌کارد، هم‌کلاسی‌یی که دوستش را به مصرف مواد مخدر سوق می‌دهد، همه مثال‌هایی از قدرت الگوها هستند. بنابراین موضوع الگوپذیری مسئله‌ای کاملاً جدی و با اهمیت است که خانواده‌ها، اولیای مدارس و همه متولیان فرهنگی جامعه می‌بایست با حساسیت و ویژگی‌های در آن مداخله نمایند. به خصوص در دوران کودکی و نوجوانی که غلبه احساس بر عقل و اندیشه مانع از قضاوت و انتخاب صحیح می‌گردد.

### منابع:

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). «روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان». تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- برومند، سید مهنی (۱۳۸۰). «شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت». قم: کتاب مبین.
- دهقان، داریوش (۱۳۸۵). «راهنمایان کیست؟». پیوند، ش ۳۲۶.
- شرفی، محمد رضا (۱۳۸۰). «جوان و نیروی چهارم زندگی». تهران: سروش.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۲). «تغییر رفتارهای کودکان و نوجوانان». تهران: فاطمی.
- لقمانی، احمد (۱۳۸۵). «موضوعات و شیوه‌های گفت و گو با نسل جوان». قم: بهشت بینش.
- سارلت، جی. آلن و دیگران (۱۳۸۱). «روش‌های الگوگیری». ترجمه پروین غیثی. شیراز: راهگشا.

- BANDURA, A. PRINCIPLES OF BEHAVIOR MODIFICATION, NEW YORK, 2005.

- CAROL SEEFELD, NITA BARBOUR. EARLY CHILDHOOD EDUCATION. MERRIL PUBLISHING COMPANY, 2003.



شماره: ۲۴۸



نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی